

بررسی مقابله‌ای نظام وجه امری در زبان فارسی و عربی

دکتر عیسی متقی‌زاده*

دانشیار زبان و ادبیات عربی و عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

دکتر حیات عامری

استادیار زبان شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

طاهره خان آبادی**

چکیده

هدف این پژوهش بررسی مقابله‌ای کاربردی تفاوتها و شباهتهای نظام وجه امری فعل در زبان فارسی و معادل آن با مقوله امر در زبان عربی از جنبه‌های ساختار، معنا و کاربرد است. این بررسی بر پایه نظریه میانه زبانشناسی است و با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی به پیش‌بینی دشواریها و مشکلات و خطاهای عربی‌آموزان فارسی‌زبان در یادگیری مقوله امر در زبان عربی می‌پردازد که خود بهبود فرایند یادگیری را به دنبال دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که وجه امری زبان عربی از لحاظ ساختار، معنا و کاربرد تنوع بیشتری نسبت به زبان فارسی دارد. هم‌چنین مقوله وجهیت الزامی در مبحث امر عربی در اسم فعل امر، مصدر جانشین امر و فعل امری که دارای نون تأکید است بسیار مشهود است در حالی که زبان فارسی فاقد این ویژگی است و برای وجهیت الزامی از قید بهره می‌گیرد. در امر عربی برخلاف فارسی محدوده درخواست امر کننده مشخص است؛ به همین علت زبان‌آموز در به‌کارگیری چنین مقوله‌های امری دچار سردرگمی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: وجه امری در زبان فارسی و عربی، یادگیری وجه امری در فارسی و عربی، بررسی مقابله‌ای وجه امری در زبان فارسی و عربی، دستور زبان فارسی و عربی.

۱. مقدمه

بررسی مقابله‌ای با کشف همانندیها و تفاوت‌های عناصر زبانی بین دو یا چند زبان به پیش‌بینی خطاهای احتمالی در یادگیری زبان دوم/ خارجی و تجزیه و تحلیل این خطاها می‌پردازد. دستاورد بزرگ این کار موجب جداسازی بین خطا و اشتباه می‌شود که اولی نظام‌مند و ناشی از ناآگاهی و یا کمبود آگاهی نسبت به زبان دوم و دستور آن است که اغلب از سوی زبان‌آموز رخ می‌دهد و دومی تصادفی و ناشی از خطاهای فردی است که معمولاً به خود اهل زبان مربوط است.

ضیاء حسینی (۱۹۹۴) در مقدمه کتاب خود این‌گونه اظهار می‌کند:

زبان‌شناسی مقابله‌ای حوزه‌های گوناگون زبان‌شناسی از جمله واج‌شناسی، آواشناسی، صرف، نحو، کاربردشناسی و تحلیل گفتمان را در برمی‌گیرد؛ اما اهمیت بررسی مقابله‌ای نظام‌های دستوری ناشی از اهمیت ویژه ساختار دستوری در چارچوبی است که اهل زبان، افکار و اندیشه‌های خود را در قالب آن بیان می‌کنند و این همان چیزی است که روش‌شناسی آموزش زبان و آموزگاران به دنبال آن هستند.

از آنجا که فعل در دستور هر زبانی نقش مهمی دارد بر آن شدیم که به بررسی آن از دید وجه امری بپردازیم با علم بر این نکته که مقوله وجه با مقوله‌های دستور و نمود همپوشانی دارد ولی با توجه به این موضوع که این مختصر گنجایش آن تفصیل را ندارد از پرداختن به دو مقوله دیگر (نمود و زمان دستوری) چشم می‌پوشیم. در این بررسی کاربردی از فرضیه میانه زبان‌شناسی بهره می‌گیریم و با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی وجه امری در دو زبان فارسی و عربی می‌پردازیم. در این پژوهش سعی می‌شود که سطح زبانی امری دو زبان با زبان واحدی بررسی شود. از آنجا که در زبان عربی به صورت روشن از وجه فعل سخنی به میان نیامده است از طریق معنای امری، که در ساختارهای مختلف زبان عربی وجود دارد، وجه امری عربی بررسی، آن با وجه امری در زبان فارسی تطبیق می‌شود.

۱-۱- سؤالهای پژوهش

۱. چه شباهتها و تفاوت‌هایی میان نظام وجه امری در زبان فارسی و عربی از نظر ساختار وجود دارد؟

۲. چه شباهتها و تفاوت‌هایی میان نظام وجه امری در زبانهای فارسی و عربی از نظر معنا و کاربرد وجود دارد؟

۳. چگونه می‌توان از بررسی مقابله‌ای نظام وجه امری زبانهای فارسی و عربی برای بهبود یادگیری زبان عربی سود جست؟

۲-۱ پیشینه پژوهش

در زمینه وجه فعل در زبان فارسی تحقیقاتی صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود: عموزاده، توانگر و نقی‌زاده (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مفهوم ذهنیت در افعال وجهی در زبان فارسی» از دید معناشناختی و کاربردشناختی به مطالعه دو مفهوم وجهی «باید و توانستن» پرداختند و دلیل همگرایی صوری معانی الزامی، پویایی و معرفتی را توجیه کردند. به اعتقاد آنها مرز عینیت و ذهنیت در افعال وجهی مشخص نیست؛ یعنی این دو از همدیگر تفکیک‌ناپذیر است.

آقاگل‌زاده و عباسی (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی وجه فعل در زبان فارسی بر پایه نظریه فضاهاى ذهنی» با رویکرد زبان‌شناسی شناختی به بررسی وجه فعل بر پایه نظریه فضاهاى ذهنی پرداختند. آنان در این مقاله به دسته‌بندی جدیدی از وجه براساس معنای مرکزی «احتمال وقوع» پرداختند و براساس آن، کاربردهای مختلف افعال وجهی را در جمله‌های ساده و مرکب توجیه کردند. به اعتقاد آنها در همه وجوه، نگرش گوینده در وقوع یا عدم وقوع فعل دخالت دارد؛ زیرا به‌طور اساسی وجه نشان‌دهنده میزان قاطعیت گوینده در اجرای فعل است و درباره وجه امری نیز نگرش گوینده به امر و فرمان از سوی مخاطب مطرح است.

درزی و لبافان‌خوش (۱۳۹۳) «نگاهی به جایگاه نحوی «باید» و «شاید»» مقوله نحوی دو وجه نمای «باید و شاید» را مورد بررسی قرار دادند. به اعتقاد آنها «شاید» قید وجهی و «باید» فعل وجهی به‌شمار می‌رود. تفاوت معنایی «باید و شاید» متناظر با تمایز جایگاه نحوی این دو وجه نما است.

ایلخانی‌پور، نگین (۱۳۹۴) در کتابی با عنوان «صفات وجهی در زبان فارسی» مقوله وجه و وجهیت را در چهار فصل به‌طور مفصل بررسی کرد. به اعتقاد او بازنمایی وجهیت در زبان فارسی در سه سطح جمله، سازه‌های کوچکتر از جمله و گفتمان

صورت می‌گیرد. وی با معرفی نامها و صفات وجهی فارسی، صحت وجود وجهیت را در سازه‌های کوچکتر از جمله نشان داد.

با توجه به اینکه در زبان عربی به مقوله وجه و جهت اشاره‌ای نشده است در ادامه به ذکر عناوین برخی تحقیقاتی بسنده می‌شود که در زمینه تحلیل مقابله‌ای بین زبان عربی و فارسی صورت گرفته است:

۱. شکرانی، رضا (۱۳۷۴) پژوهشی پیرامون پدیده اعراب در مقایسه با مقوله‌های «نقش» و «وجه» دستور زبان فارسی ۲. محسنی‌نیا، ناصر و آرزو پوریزدان‌پناه کرمانی (۱۳۸۹) «بدل و عطف بیان در فارسی و عربی از زاویه دستور تطبیقی» ۳. رضایی، سارا (۱۳۹۰) «بررسی مباحثی از فعل در دستور زبانهای فارسی و عربی» ۴. زرکوب، منصوره و سارا رضایی (۱۳۹۱) «بررسی تطبیقی فعل مجهول در زبانهای فارسی و عربی از منظر دستوری و معنایی» ۵. ابن‌الرسول، محمدرضا و سمیه نجف‌آبادی (۱۳۹۱) «تعلیل در معانی حروف جرّ عربی و حروف فارسی» ۶. صالح‌بگ، مجید و زهره قربانی (۱۳۹۲) «مفعول مطلق، له و معه در زبان عربی و برابری‌های آن در زبان فارسی». متقی‌زاده، عیسی و الهام نیکوبخت (۱۳۹۳) «مقایسه ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی با موضوع سخن از لحاظ واژگانی، نحوی، بلاغی و معناشناسی» ۸. زرکوب، منصوره و فرهاد امینی (۱۳۹۳) تحلیل مقابله‌ای امثال در فارسی و عربی از نظر معنا، واژگان، سبک (بررسی موردی بیست و یک مثل) ۹. قلی‌فامیان، علی‌رضا و مریم سخنور (۱۳۹۴) «بررسی تطبیقی کلمات اختصاری در فارسی، انگلیسی، عربی و ترکی استانبولی» ۱۰. جمشیدی، لیلا و زینب حسینی (۱۳۹۴) «بررسی تطبیقی گسست رابطه اضافی در دستور زبان عربی و فارسی (علمی - پژوهشی)» ۱۱. تقی‌پور، ابوالفضل (۱۳۹۵) «بررسی تطبیقی کارکردهای «واو» در فارسی و عربی با محوریت اشعار سعدی» ۱۲. کاظمی نجف‌آبادی و همکاران (۱۳۹۵) «حرف شرط «اگر» در دستور زبان فارسی و معادلهای آن در زبان عربی» ۱۳. ناجی حسین‌دوست، عباس و سپیده عبدالکریمی (۱۳۹۶) «بررسی مقابله‌ای صفت فاعلی در فارسی و اسمهای فاعل در عربی از منظر ساختاری برای تدریس به غیرفارسی‌زبانان عرب»

از میان این پژوهشها، تنها دو پژوهش شرح داده می‌شود که تا حد زیادی با این تحقیق مرتبط است. رضایی در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی مباحثی از فعل در دستور زبانهای فارسی و عربی» به بررسی و تطبیق افعال ربطی و افعال ناقصه، وجه فعل، لازم، متعدی، معلوم و مجهول، ساختار فعل در فارسی و عربی پرداخته است. وی در مورد وجه فعل فارسی و مطابقت آن با اعراب فعل عربی به این نتیجه رسیده است که وجوه فعل فارسی و انواع اعراب در عربی با یکدیگر انطباق کامل ندارد و در

بسیاری از موارد با هم تفاوت دارد. وی در معادلیابی وجه امری فارسی و عربی به این نتیجه رسیده است که فعل امر غایب عربی دارای وجه امری نیست؛ اینکه وی در تطبیق وجه اخباری دو زبان، علاوه بر مقایسه وجه فعلهای دو زبان به وجه برخی از شبه فعلهای عربی مانند اسم مفعول و صیغه مبالغه در جمله اسمیه عربی اشاره می‌کند و آن را با وجه اخباری در فارسی برابر می‌داند از تطبیق امر از مصدر و اسم فعل امر در عربی با وجه امری فارسی غافل مانده است.

شکرانی در مقاله خود به مقایسه وجه فعل فارسی و اعراب فعل در عربی می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که اعراب فعل مضارع برابر با وجه فعل در دستور زبان فارسی است. وی فعل مضارع مرفوع را دارای وجه اخباری و مضارع منصوب را دارای وجه التزامی و مضارع مجزوم را - به جزء «لم» و «لما» که بیانگر معنای ماضی ساده یا نقلی است - دارای وجه امری می‌داند. با اینکه این نظر در بسیاری موارد با وجهی منطبق است که وی بیان می‌کند در بعضی موارد دچار اشتباه شده است؛ به عنوان مثال وی عقیده دارد که فعل مضارع مجزوم به لام امر نیز دارای وجه امری است. در واقع وی بیشتر به صورت توجه دارد تا به معنا.

۲. ادبیات نظری

۲-۱ بررسی مقابله‌ای

آموزش زبان در نظر پژوهشگران معاصر بر اصلهایی مبتنی است که مهمترین آنها زبانشناسی مقابله‌ای است. زبانشناسی مقابله‌ای جدیدترین شاخه زبانشناسی است که درباره فرق بین دو زبان یا بیشتر، تحقیق می‌کند (معروف، ۲۰۱۰: ۱). در واقع هدف زبانشناسی مقابله‌ای اثبات تفاوت‌های میان دو سطح است، بنابراین، تکیه اساسی آن بر زبانشناسی توصیفی است.

اثبات تفاوت‌های میان دو سطح، مشکلات آموزش زبان را روشن می‌سازد؛ یعنی هر وقت فارسی‌زبانی بخواهد زبان عربی یاد بگیرد، مشکلاتی که در درجه اول با آن روبه‌رو می‌شود به اختلاف زبان مادری او باز می‌گردد که زبان فارسی است با زبان عربی که می‌خواهد آن را فراگیرد (حجازی، ۱۳۷۹: ۴۵).

از نظر فیزیاک (Fisiak, 1985: 195) تحلیل مقابله‌ای یعنی مقایسه‌ی قانونمند ویژگی‌های تعیین شده دو یا چند زبان که هدفش فراهم کردن مجموعه اطلاعات برای

معلمان و تهیه کنندگان مواد درسی است که می‌تواند در آماده‌سازی مواد آموزشی، طراحی دوره‌های آموزشی و گسترش روشهای تدریس مورد استفاده قرارگیرد. وی مطالعات مقابله‌ای را به دو بخش اصلی نظری و علمی تقسیم می‌کند که هر کدام عرف مخصوص به خود را داراست.

۱-۲-۱ بررسی مقابله‌ای نظری

هدف این نوع مطالعات کشف همانندیها و تفاوتهای ساختار بین دو یا چند زبان است که به توصیفی دقیق از شباهتها و تفاوتهای این زبانها می‌انجامد که مشخص‌کننده این است که کدام یک از عناصر بین این زبانها قابل مقایسه است.

بررسی مقابله‌ای نظری غالباً براساس قالب نظری ویژه‌ای استوار است؛ مانند ساختاری، انتقالی، تابع و الحاق و هدف اصلی این مطالعات، تفسیر و بهبود بینش‌های مربوط به مشکلات مقابله‌ای است. تدوین ویژگیها و قواعد جهانی زبانهای مختلف و اصول کلی فراگیری زبان طبیعتاً حاصل چنین مطالعاتی است. بررسی مقابله‌ای نظری، مطالعه علمی مربوط به مقایسه زبانها است. بنابراین، اینکه چه الگوهایی برای مقایسه زبانها مناسب است؛ چگونه و چه عناصری قابل مقایسه است؛ در سطوح متفاوت اساس مشترک چگونه تعیین می‌شود؛ چه ویژگیهایی در زبانهای مختلف همانند است؛ چگونه هر یک از این ویژگیهای مشترک در زبانهای مقایسه شده تشخیص داده، چگونه از بررسی مقابله‌ای واقعی در زمینه‌های مختلف زبانشناسی مانند آواشناسی، واژه‌شناسی، ترکیب (نحو)، سخن‌گفتن و زبانشناسی اجتماعی استفاده می‌شود، موضوع مورد بررسی مقابله‌ای نظری است (کهریزی، ۱۳۹۲: ۴۲).

۱-۲-۲ بررسی مقابله‌ای کاربردی

این نوع پژوهش با بهره‌گیری از دستاوردهای بررسیهای مقابله‌ای نظری، زمینه مناسب مقایسه زبانها را فراهم می‌کند، که نتایج آن در ترجمه و آموزش زبان و تدوین فرهنگ لغتها قابل استفاده است.

در واقع بررسیهای نظری، بدون توجه به کاربردشان خنثی است و در مشابتهها و تفاوتهای برابر است، در حالی که بررسیهای کاربردی غالباً بر تفاوتها متمرکز می‌شود. هم‌چنین، بررسی مقابله‌ای کاربردی نتیجه انتخاب مناسب یا تنظیم بررسی نظری با

حذف و مختصرسازی، و منعکس‌کننده هدف خاصی است که تحلیل آن مطرح شده است (کهریزی، ۱۳۹۲: ۴۳).

به‌طورکلی، مطالعات مقابله‌ای می‌تواند برخی از مسائل ظریف و مهم زبانشناسی مدرن را شفاف سازد. داده‌های مقابله‌ای ممکن است زبانشناس را یاری کند تا درباره زبان به تعمیم‌هایی برسد و در حوزه تجزیه و تحلیل خطاها برای غلط‌ها توجیه فراهم آورد. سرانجام زبانشناسی مقابله‌ای می‌تواند نقش مؤثری در تحقیقات مربوط به فراگیری زبان دوم/خارجی ایفا کند؛ مثلاً در یافتن نقش تداخل و تعمیم (ضیاء حسینی، ۱۳۹۲: ۱۰-۱۱).

برخی کاربردهای آموزشی زبانشناسی مقابله‌ای را این‌گونه بیان می‌کنند: ۱. پیش‌بینی اینکه کدام جنبه‌ها مشکل‌ساز خواهد شد. ۲. پیش‌بینی سخت‌بودن یادگیری بعضی جنبه‌ها ۳. پیش‌بینی خطاها ۴. مقاومت خطاهایی خاص در برابر اصلاح (James, 1981: 6-145). براساس این کاربردها می‌توان از زبانشناسی مقابله‌ای و نتایج آن در آموزش زبان و هم‌چنین در ساخت مواد آموزشی سود جست. همان‌گونه که بیان شده، مؤثرترین مواد آموزشی آن است که براساس توصیف علمی زبان هدف و مقایسه آن با توصیف زبان مادری به‌دست آمده باشد (Fries, 1945: 259). به‌طور کلی «مقایسه دو زبان با آموزگار، زبان‌آموز و نویسندگان کتابهای آموزشی در ارتباط است» (Arts, et al, 1990: 165).

از این تعاریف می‌توان هدف زبانشناسی مقابله‌ای را در آموزش زبان این‌گونه بیان کرد: هدف زبانشناسی مقابله‌ای در آموزش زبان و یادگیری آن، دستیابی به نتایج مثبتی است که آموزش زبان را آسان می‌کند. در واقع زبانشناسی مقابله‌ای سه هدف اساسی را دنبال می‌کند: ۱. کشف تفاوتها و شباهتهای دو زبان مادری و زبان دوم ۲. تفسیر سختی‌ها و مشکلاتی که زبان‌آموز در یادگیری زبان با آن روبه‌رو می‌شود. ۳. وهدف نهایی از این دو، تهیه مواد آموزشی براساس آن چیزی که زبان‌آموز در فرایند یادگیری به آن نیاز دارد.

۲-۲ فرضیه‌های زبانشناسی مقابله‌ای در یادگیری زبان

زبانشناسی مقابله‌ای، سه فرضیه دارد. تفاوت این فرضیه‌ها با یکدیگر به دیدگاه آنان درباره نقش زبان مادری در یادگیری زبان دوم باز می‌گردد. این فرضیه‌ها به این شرح است:

۱. **فرضیه قوی**^۱ که بر پایه روانشناسی رفتارگرا^۲ استوار است و اصل انتقال (Principle of transfer) را عاملی مهم در یادگیری زبان می‌داند. این انتقال براساس شباهت و تفاوت بین دو زبان ممکن است. مثبت یا منفی باشد. لادو^۳ از طرفداران این فرضیه است. وی معتقد است که در یادگیری زبان دوم/خارجی، تداخل زبان مادری در زبان دوم، مانع یادگیری صحیح زبان دوم است. در واقع وی معتقد است هر چه تفاوت بین دو زبان بیشتر باشد، یادگیری دشوارتر می‌شود.

۲- **فرضیه ضعیف**^۴: همان‌گونه که از اسم آن مشخص است، تعدیل یافته فرضیه قبلی است. طرفداران این فرضیه، که عده‌ای از رفتارگرایان هستند، بر این باورند که زبان مادری در یادگیری زبان دوم نقشی مثبت دارد و اگر زبان‌آموز در به‌کارگیری زبان دوم دچار خطا می‌شود به این دلیل است که هنوز یادگیری به‌طور کامل رخ نداده است به همین علت زبان‌آموز از زبان مادری خویش در یادگیری زبان دوم مدد می‌جوید.

۳- **فرضیه میانه**^۵: این فرضیه بر پایه روانشناسی شناختی استوار، و معتقد است که شباهت‌های بین دو زبان که در عین حال، تفاوت‌های ظریفی هم دارند، موجب پیچیدگی و دشواری فرایند یادگیری زبان دوم/خارجی می‌شود. طرفداران این نظریه بر این باورند که به جای اصل انتقال، اصل تعمیم انگیزش^۶ در یادگیری زبان دوم وخارجی در کار است (ضیاء حسینی، ۱۳۹۲: ۲۵ - ۲۶ با تلخیص و تصرف).

مقوله‌سازی الگوهای انتزاعی و عینی بر پایه دریافت شباهتها و تفاوت‌های آنها، اساس یادگیری است؛ از این‌رو هر جا که در یک یا چند نظام، الگوها به لحاظ صورت، معنا یا کاربرد از تمایز ظریفی برخوردار باشد، سردرگمی می‌تواند نتیجه دهد و بالعکس، هر جا که الگوها به لحاظ نقش یا براساس دریافت در یک یا چند نظام برابر باشد، تعمیم درست رخ می‌دهد (ضیاء حسینی، ۱۹۸۰: ۱۵۴).

۳-۲ مراحل بررسی مقابله‌ای

نگارندگان براساس چهار مرحله‌ای که ضیاء حسینی (۱۳۹۲: ۲۳ - ۲۵) برای بررسی مقابله‌ای برمی‌شمارد به این پژوهش اقدام کرده‌اند؛ این مراحل عبارت است از:

۱. **انتخاب**: از آنجا که در زبان عربی مقوله‌ای به نام وجه فعل وجود ندارد. در این پژوهش به بررسی یک سطح ظاهری در زبان فارسی و یک سطح معنایی معادل آن در زبان عربی (اعراب) پرداخته می‌شود.

۲. توصیف: در این مرحله با استفاده از دستور زبان فارسی و نحو و بلاغت عربی وجه امری در این زبانها توصیف می‌شود.

۳. مقایسه و مقابله: در این مرحله به منظور کشف شباهتها و تفاوتهای وجه امری در دو زبان بین وجه امری فعل فارسی با اعراب مقوله امر در عربی از سه زاویه صورت، معنا و کاربرد، مقایسه و مقابله کاربردی انجام می‌شود.

۴. پیشگویی: بعد از مشخص کردن تفاوتهای ظریف بین وجه امری دو زبان در این مرحله با تکیه بر نظریه میانه زبانشناسی به پیشگویی مشکلات عربی‌آموزان فارسی‌زبان در یادگیری مقوله امر عربی اقدام می‌شود.

۴-۲ وجه

وجه فعل ابزار دستوری، و صورت یا جنبه‌ای از فعل است که نگرش گوینده را در فعل بروز می‌دهد؛ به بیانی دیگر

وجه مقوله‌ای معنایی - نحوی است که در سطح جمله عمل می‌کند. مفهوم وجه اصطلاحی پوششی برای بیان درجات مختلفی از تعهد گوینده نسبت به قطعیت گزاره است؛ به عبارت دیگر وجه میزان واقعی یا حقیقی بودن گزاره را از دید گوینده نشان می‌دهد؛ به این ترتیب سخنگو مشخص می‌کند که رخداد یا وضعیتی واقعاً اتفاق می‌افتد؛ رخ نمی‌دهد یا امکان بالقوه آن وجود دارد (رضایی و بهرامی، ۱۳۹۴: ۲۳۷).

بر این اساس وجه به دو بخش اصلی واقعی و غیرواقعی تقسیم می‌شود. وجه واقعی همان وجه اخباری است که در مقابل دیگر صورتهای غیرتصریحی شامل التزامی، تمنایی، امری، شرطی و غیره قرار می‌گیرد (همان: ۱۹۸)؛ به عبارتی دیگر، وجه فعل، صورت یا جنبه‌ای از آن است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو و تمنا، تأکید و امید و بعضی امور دیگر دلالت می‌کند. بنابراین وجه فعل با معنای فعل ارتباط مستقیم دارد. وجه شیوه‌ای از کاربرد فعل است که گوینده به وسیله آن موقعیت خود را نسبت به جریان فعل بیان می‌کند (آفاگل‌زاده و عباسی، ۱۳۹۱: ۱۴۰).

۵-۲ وجه فعل در زبان فارسی

تقطیع وجه غیرواقعی در هر زبان متفاوت و متمایز است؛ بنابراین در مقایسه زبانها همپوشانی میان دسته‌بندیها مختلف وجه مشاهده می‌شود (رضایی و بهرامی، ۱۳۹۴: ۲۴۲). از

نظر رحیمیان (۱: ۱۳۷۸) بین وجه از جنبه صوری و معنایی تمایز وجود دارد. وجه از نظر معنا به نگرش گوینده به وقوع واقعه‌ای اطلاق می‌شود در حالی که به لحاظ صوری به دو دسته کلی اخباری (وجه اخباری) و غیراخباری (امری و التزامی) تقسیم می‌شود. به‌طور کلی دستورنویسان درباره‌ی این موضوع که زبان فارسی دارای چند وجه است اختلاف نظر دارند. برخی از آنان سه تا هفت وجه را برای فعل بیان می‌کنند. ناتل خانلری چهار وجه اخباری، التزامی، امری و شرطی و پنج استاد، دایی جواد، طالقانی، فیروزمنش و دیگران و دبیرسیاقی، شش وجه اخباری، التزامی، شرطی، امری، وصفی و مصدری و هم‌چنین انوری و گیوی سه وجه اخباری، التزامی و امری برای وجوه فعل ذکر کرده‌اند (به نقل از آقاگل‌زاده و عباسی، ۱۳۹۱: ۱۳۷).

مشکوه الدینی (۱۳۷۹: ۶۷)، خیامپور (۱۳۸۶: ۸۴)، وحیدیان کامیار و عمرانی (۱۳۸۵: ۵۳)، (احمدی‌گیوی و انوری، ۱۳۸۵: ۵۴) فعل را به این دلیل که خبررسانی و یا وقوع عملی یا حالتی با شک یا شرط و مانند آن را بیان کند و یا دارای درخواست و فرمانی باشد از یکی از سه وجه اخباری یا التزامی یا امری به‌شمار می‌آورند. باطنی (۱۳۷۴: ۱۳۱-۱۳۴) در تقسیم‌بندی گروه فعلی فارسی در دستگاه‌های همزمان، وجه را به دو دسته وجه شخصی شامل وجوه اخباری، امری و التزامی و وجه غیرشخصی (که بی‌نشان، و از عبارت قابل فهم است) شامل وجه اخباری و التزامی، تقسیم کرده است.

برای جلوگیری از اطاله کلام در ادامه، تنها به شرح وجه امری بسنده می‌شود.

۱. **وجه امری:** «وجه امری یا فعل امر این است که بر طلب یعنی فرمان، خواهش، خواست و تمنا دلالت کند؛ مانند برو (فرمان)، ای صبح طلوع مکن (خواهش و تمنا)» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۸۱). ساخت امری را با افزودن پیشوند ب- / ب- به ستاک حال می‌سازند. صورت مفرد ساخت امری شناسه ندارد. پیشوند bo- را قبل از هجایی که [o] داشته باشد به‌کار می‌برند. پیشوند be- را معمولاً در صیغه امری فعل کردن حذف می‌کنند (ماهوتیان، ۱۳۹۳: ۲۳۴)؛ مانند بگیر = ب+گیر، بخوان = ب+خوان.

امکان پرسشی کردن فعل امر وجود ندارد (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۹۵: ۵۵). لاینز به‌طور کلی در مورد وجه امری زبانها معتقد است گرچه به لحاظ سنتی اول شخص و سوم شخص نیز امری نامیده می‌شود، ولی امر تنها می‌تواند دوم شخص باشد (Lyons, 1977: 747). ولی پالمر می‌گوید: این موضوع تنها یک بحث اصطلاح‌شناختی

است که امری دوم شخص را وجه امری و دیگر صیغه‌ها (اول شخص و سوم شخص) را امری نامتعارف می‌نامد (Palmer, 2001: 81). امر نامتعارف در بعضی زبانها با صورت التزامی بیان می‌شود. نه امری و نه امری نامتعارف نمی‌تواند در جمله پیرو یا پرسشی بیاید؛ به این دلیل بدیهی است که آنها کنشی است و گوینده به وسیله آنها فرمانی صادر می‌کند. در واقع صورت التزامی در بعضی زبانها (مانند زبانهای یونانی کلاسیک و اسپانیایی) شبیه امریهای نامتعارف است (همان: ۱۳۷ - ۱۴۰).

۶-۲ وجهیت و انواع آن

والی و بهرامی (۱۳۹۴: ۲۳۸) سه ابزار برای شناسایی وجه فعل نام می‌برند: ابزار صرفی و نحوی، صورتهای واژگانی، افعال کمکی وجهی (که در این صورت آن را وجهیت می‌نامیم)؛ حتی صورتهای واژگانی از قبیل قیده‌های بیانگر مراتبی از یقین و اطمینان یا تردید و احتمال هم می‌تواند در خدمت بیان وجهیت باشد (همان). وجهیت در هر زبان به شیوه مختلف و متفاوتی انعکاس می‌یابد؛ بنابراین ارائه معیاری که بتوان مقوله وجهیت را در تمامی زبانها بازنمایی کند، مشکل است (همان: ۲۳۹).

عمدتاً افعال کمکی وجهی در دو نقش اصلی در زبان کاربرد دارد. گاه استفاده از افعال وجهی بیانگر اجبار، توصیه یا اجازه در انجام دادن کار یا وقوع رخداد است که از آن با عنوان وجهیت الزامی یاد می‌شود و گاهی نیز افعال وجهی نشاندهنده درجات مختلف امکان وقوع رخداد یا وقوع انجام دادن کار است، که با نام وجهیت معرفتی شناخته می‌شود (همان: ۲۴۳).

در وجهیت الزامی در مورد چگونگی عملکرد و رفتار افراد در جهان پیرامون قضاوت می‌شود؛ اما در وجهیت معرفتی، قضاوت صرفاً در مورد چگونگی جهان پیرامون است و به نقش افراد اشاره‌ی نمی‌کند (همان).

مثال وجهیت الزامی: علی باید هر روز به مدرسه برود.

مثال وجهیت معرفتی: علی باید تا حالا به مدرسه رسیده باشد.

۷-۲ اعراب فعل در زبان عربی

یسپرسن (۱۹۹۴: ۳۷۳) بر این نکته تأکید می‌کند که وجه مقوله نحوی است. به اعتقاد او، بازنمایی وجهیت و وجه امری در همه زبانها در ساخت واژه فعل نیست؛ بلکه ممکن است در زبانها توسط افعال وجهی، قیده‌های وجهی و صفات وجهی بیان شود. «برای

رسیدن به شناختی نسبتاً درست از وجه فعل باید عوامل صوری و معنایی آن شناخته، و براساس آن عوامل تعریف وجه ارائه شود» (مظاهری و همکاران: ۱۳۸۳: ۹۶). شکرانی در مورد با شناخت وجه در زبان عربی می‌نویسد:

در چارچوب صرف و نحو عربی از وجه فعل سخن نمی‌رود ولی از بررسی ساختارهای گوناگون فعل مضارع در زبان عربی، می‌توان به معادل‌یابی وجوه اخباری، التزامی و امری اقدام کرد. در واقع وی اعراب فعل مضارع را در عربی برابر با وجوه فعل می‌داند (۱۳۷۴: ۵۹).

در توضیح نپرداختن عالمان عرب به مقوله وجه می‌توان گفت: درست است که نحویان عرب در زبان عربی از وجه فعل سخنی به میان نیاورده‌اند، بلاغیون جملات عربی را براساس خبر آنها، که قابل صدق و کذب باشد یا نه به دو بخش خبری و انشایی تقسیم می‌کنند و جملات قابل صدق و کذب را جملات خبری می‌نامند؛ یعنی جملاتی که خبر یا همان گزاره آنها واقعی است و از واقع شدن یا نشدن عملی یا حالتی در زمان مشخصی در عالم واقعی خبر می‌دهند.

منظور از جمله خبری جمله‌ای است که در عالم واقع اتفاق افتاده است؛ مانند «أثارت الريحُ الغبارَ» (باد غبار را پراکنده ساخت). پراکنده شدن غبار توسط باد یا عدم آن، امری است که در عالم واقع رخ داده است؛ چه درباره آن سخنی بر زبان رانده شود، چه سخنی گفته نشود و در صورت سخن راندن از آن، منظور رساندن خبر به مخاطب است و نه چیز دیگری (فاضلی، ۱۳۸۸: ۶۹).

الهاشمی (۱۳۸۸: ۹۳) اهداف جمله خبری را دو نوع می‌داند:

الف) رساندن حکمی که جمله، آن را فراگرفته است به مخاطب اگر مخاطب بی‌خبر باشد و این گونه هدف، «فائده خبر» نامیده می‌شود؛ مانند «الدَّيْنُ معاملَه»: بدهکاری و بستانکاری دادوستد است و غرض آگاه کردن مخاطب از قابل دادوستد بودن بدهکاری و بستانکاری است. ب) گوینده می‌خواهد آگاهی خویش را از خبر به مخاطب بفهماند؛ یعنی به او برساند من نیز از خبر آگاهم؛ مثلاً شما به شاگردی که قبولش را در آزمون از تو پنهان کرده است، می‌گوید: «أنتَ نَجَحْتَ في الامتحان»: شما در آزمون، پیروز شدید. این گونه هدفهای خبری را «لازم فائده» می‌نامند.

جملات انشایی آن دسته از جملاتی است که خبر و یا به تعبیر دیگر گزاره آنها قابل صدق و کذب نیست. فاضلیدر این باره می‌نویسد: منظور جمله‌ای است که در عالم

خارج اراده نمی‌شود؛ مانند کونوا عادلین: عادل باشید. در این جمله، منظور نویسنده رساندن خبری نیست که در عالم خارج اتفاق افتاده بلکه هدف درخواست عمل به پیام جمله است (۱۳۸۸: ۷۴). الهاشمی در این باره می‌نویسد: انشا در اصطلاح، سخنی است که ذاتاً راست یا دروغ بودن را نمی‌پذیرد؛ یعنی نمی‌توانیم بگوییم این سخن راست یا دروغ است (۱۳۸۸: ۱۲۵).

جملات انشایی به دو زیر شاخه اصلی طلبی و غیرطلبی تقسیم می‌شود. جملات طلبی شامل امر، نهی، استفهام، عرض، تحضیض و تمنا، و جملات غیرطلبی شامل عقود، تعجب، قسم، مدح، ذم و رجاء است. الهاشمی (۱۲۷) می‌گوید: بیشتر صیغه‌های غیرطلبی در اصل خبر بوده، و به انشا نقل داده شده است. می‌توان گفت که وجه با نامی دیگر نزد بلاغیون عرب شناخته شده است که البته نمی‌شود به‌طور کامل آن را قبول یا رد کرد؛ ولی تنها براساس تعریفی که از این تقسیم‌بندی برمی‌آید، جمله خبری در عربی برابر با وجه اخباری و جمله غیرطلبی معادل وجه التزامی است که وجه امری نیز زیر مجموعه آن به‌شمار می‌رود. ما تنها براساس این تقسیم‌بندی قائل به این فرضیه هستیم و اثبات آن مجال دیگری را می‌طلبد که از حوصله این پژوهش خارج است.

اگر قرار است یک قاعده دستوری به زبان‌آموز آموزش داده شود، باید برابرسازی یک مقوله دستوری زبان دوم/ خارجی به‌طور کامل با مقوله دستور زبان مادری به عمل آید؛ به دیگر سخن اگر قرار است مبحث امر عربی را به زبان‌آموز آموزش دهیم، نباید تنها به برابرسازی فعل امر در دو زبان بسنده کنیم؛ زیرا «وقتی دو سطح زبانی دقیقاً به سبک زبانی واحدی توصیف شود، امکان پژوهش آن به روش مقابله‌ای بعداً میسر می‌گردد» (حجازی: ۱۳۷۹: ۴۵).

اگر بخواهیم وجه فعل فارسی را با اعراب فعل در زبان عربی قیاس کنیم، باید در نظر داشته باشیم که در زبان عربی ساختار فعل به معنای ساختار فعلی نیست که در فارسی سراغ داریم بلکه در این زمینه باید به بحث شبه فعل در عربی نیز توجه کرد که کارکرد فعل را داراست، بنابراین لازم است که مسئله معنا را مورد توجه قرار دهیم که در عربی بر نحو مقدم است.

شکرانی (۱۳۷۴: ۵۹) در معادل‌یابی وجه فعل فارسی و عربی به این نتیجه می‌رسد که: از بررسی ساختارهای گوناگون فعل مضارع در زبان عربی معلوم می‌شود که فعل

مضارع مرفوع، بیانگر وجه اخباری است و مضارع منصوب، بیانگر وجه التزامی و وجوه مندرج در ذیل آن است و مضارع مجزوم - بجز مضارع مجزوم به «لم» و «لما» که بیانگر معنی ماضی منفی ساده یا نقلی است - بیانگر وجه امری و یا شرطی است. شکرانی در تطبیق وجه امری با اعراب فعل مضارع این خطا را مرتکب شده که فعل مضارع مجزوم به لام امر را نیز معادل وجه امری شمرده است در حالی که معروف (۱۸۱: ۱۳۹۲) معادل امر غایب عربی را در فارسی مضارع التزامی می‌داند که در این صورت، امر غایب در عربی معادل وجه التزامی در فارسی می‌شود؛ مانند لیعاقب: باید معجزات شود.

بنابراین تنها از روی ظاهر و عنوان نمی‌توان به معادل‌یابی وجوه فعل در دو زبان پرداخت؛ به عنوان مثال: وجه فعل در جمله‌ای مانند «خواهش می‌کنم با من تماس بگیرید»، امری است حال اینکه فعل معادل آن در عربی «أرجوكم أن تتصلوا بی» متشکل از «أن+فعل مضارع منصوب» است» (رضایی، ۱۳۹۰: ۳۵). و این سخن نیز نقض‌کننده نظر شکرانی است که معادل وجه امر فارسی را در زبان عربی مضارع مجزوم می‌داند و معادل وجه التزامی فارسی را فعل مضارع منصوب. سخن شریعت نیز مؤید این نکته است: «وجه فعل ارتباط مستقیم دارد با معنی فعل (اگر چه ظاهراً نیز نشانه‌هایی در آن وجود نداشته باشد). این مطلب به این دلیل شد که کسی شکل ظاهری را ملاک تعیین وجه نداند» (شریعت: ۱۳۷۲: ۱۳۰). بنابراین در زمینه وجه فعل در زبانها ممکن است صورت فعل بیانگر یک وجه باشد ولی در معنا بیانگر وجه دیگری باشد. والی و بهرامی (۱۳۹۴: ۲۴۱) این موضوع را درباره فعل التزامی اذعان می‌کنند که همواره بین صورت فعل و وجه آن تناظر برقرار نیست؛ مانند اگر مهمانی برگزار می‌شد، بهتر بود. در این مثال صورت جمله شرطی و وجه آن التزامی است.

۸-۲ مواضع مسند و مسند الیه (گزاره) در عربی

همان‌گونه در تعریف وجه فعل مشاهده شد، وجه به واقعی و یا غیرواقعی بودن گزاره و یا قطعیت گوینده نسبت به گزاره و یا عدم قطعیت آن اشاره دارد. از آنجاکه فعل بخش مهم و در واقع همان گزاره جمله است، لازم است ابتدا با گزاره و انواع آن در زبان عربی آشنا شویم.

جمله در زبان عربی از دو رکن اساسی مسند و مسندالیه ساخته می‌شود. مسند را «محکوم‌به» یا «مخبره» نیز می‌نامند؛ یعنی رکنی که درباره مسندالیه خبری را می‌رساند و مسندالیه را «محکوم‌علیه» یا «مخبرعنه» می‌نامند؛ یعنی آن چیزی که مسند درباره آن خبری می‌دهد (الهاشمی، ۱۳۸۸: ۸۳). مسند در زبان عربی هشت موضع دارد که دو مورد از آن با بحث امر و درخواست مرتبط است:

الف) اسم فعل که به جای فعل هم معنای خود می‌آید؛ مانند اسم فعل «آمین» که به جای فعل امر هم معنای خود یعنی «استجب» آمده است.

ب) مصدرجانشین فعل امر؛ مانند سعيًا فی سبیل الخیر (در راه خیر بکوش). در این مثال، «سعیًا» مسند است و به جای «اسع» نشسته که فعل امر است (ر.ک؛ الهاشمی، ۱۳۸۸: ۸۷-۸۸).

اسم فعل امر و مصدر جانشین فعل امر، همان کارکرد فعل را در زبان عربی دارد و هم‌چنین در ترجمه فارسی به فعل و یا همان مصدر ترجمه می‌شود (ر.ک؛ معروف، ۱۳۹۲: ۱۳۷). بنابراین اگر یک مقوله نحوی کارکرد مقوله فعل را دارا باشد، مانند فعل دارای وجه است؛ پس لازم است که در بررسی وجه فعل امر در زبان عربی به بحث امر از «شبه فعل امر» و «مصدر معادل امر» و وجوه آنها نیز بپردازیم. برای روش‌تر شدن مطلب، معادله ذیل مطرح می‌شود:

اسم فعل امر مانند فعل امر عمل می‌کند ← فعل دارای وجه است ← بنابراین اسم فعل امر نیز دارای وجه است.
مصدر جانشین فعل امر، گزاره جمله است ← گزاره جمله دارای وجه است ← بنابراین مصدر جانشین فعل امر نیز دارای وجه است.

۳. بررسی و تطبیق

امر در زبان عربی

درخواست در زبان عربی بر سه گونه است: الف: «دعا» درخواست فردی که از لحاظ مقام و موقعیت از مخاطب پایین‌تر است. ب: «التماس» برای درخواستی که گوینده و مخاطب از لحاظ شأن و مقام همانند هستند. ج: «امر» در عربی به معنای طلب انجام دادن کاری همراه با الزام از مخاطب از جانب شخصی که از لحاظ مقام و موقعیت از

شخص امر شونده بالاتر است. در بیشتر کتابهای نحو زبان عربی دو نوع فعل امر معرفی می‌شود که یکی برای امر به مخاطب و دیگری برای امر به غایب و متکلم به کار می‌رود؛ ولی در علم بلاغت برای آن چهار شکل مختلف به این شرح متصور است:

۱-۳ فعل امر

از صیغه مضارع مخاطب ساخته می‌شود؛ مانند یا بنی قم بأداء واجباتک بدقه: ای فرزندم تکالیف را با دقت انجام بده. در این جمله واژه «قم» امر از فعل مضارع تقوم است. عباس حسن (۱۴۲۸: ۴۳) فعل امر را این گونه تعریف می‌کند: امر کلمه‌ای است که دو ویژگی در خود داشته باشد: یکی معنای درخواست و دیگر اینکه خود کلمه بر امر دلالت کند، نه اینکه چیزی بر آن بیفزاییم.

۱-۳-۱ الزام بخشی به فعل امر عربی

فعل امر با دو نون تأکید می‌شود؛ مانند «اذهبنَّ واقصدنَّهْمَا: حتماً برو و آن دو را آهنگ کن»؛ در این جمله نون مشددی که به فعل امر «اذهبنَّ» اضافه شده است، نون ثقیله نام دارد و نون ساکنی که به فعل امر «اقصدنَّهْمَا» اضافه شده است نون خفیفه نام دارد (ر.ک: ابن مالک، ۱۳۷۹: ۱۰۹۳).

هدف گوینده از اضافه کردن نون تأکید به فعل این است که وی در گفته خود مصمم است و هیچ تردیدی در آن ندارد. بر این اساس وقتی گوینده فعل امر را با نون تأکید ادا می‌کند با الزام و اجبار، طلب خود را تأکید می‌کند؛ مانند «اُکْتَبَنَّ: حتماً بنویس»، «لا تَتَّقَنَّ بالكاذب: هرگز به دروغگو اعتماد مکن»؛ «لَا تَكْتَمَنَّ الحقیقه: حتماً (به طور قطع) حقیقت را پنهان نکن»؛ «احذرنَّ الأغذیه عالیه الکولسترول: از غذاهای با کلسترول زیاد (قطعاً) پرهیز کنید.

۲-۱-۳ تطبیق با زبان فارسی

فعل امری که بدون نون تأکید است با فعل امر فارسی در داشتن وجه امری کاملاً برابر است. همان گونه که فعل امر در عربی از فعل مضارع ساخته می‌شود، فعل امر در زبان فارسی نیز از بن مضارع ساخته می‌شود و معنای آنها نیز کاملاً بر یکدیگر منطبق است؛ اما بین فعل امر مؤکد عربی و فعل مؤکد فارسی تفاوت هست. «در زبان فارسی نون تأکید نداریم اما گوینده برای اینکه آهنگ بی‌تردید خود را برای انجام دادن کاری

برساند، واژه‌های البته، باید که، حتماً، هرآینه و همانا را پیش از فعل به کار می‌برد» (طیبیان، ۱۳۹۱: ۵۷). از معانی جملات مشخص شد، نون تأکید خفیفه و ثقیله در فارسی معادل قید است. معادل واژگانی دو نون تأکید در فارسی چندان از یکدیگر متمایز نشده است (معروف: ۱۳۸۹: ۲۴۲-۲۴۳-۲۴۷).

براساس این تعریف، مشخص شد که فعل امری که نون تأکید دارد، وجه امری و وجهیت الزامی دارد؛ ویژگی که فعل امر فارسی از آن محروم است و در عوض از قیود تأکید استفاده می‌کند که البته باز هم این مسئله قابل توجه است که میزان الزامی بودن وجهیت در فعل امر عربی براساس مشدد یا نبودن نون تأکید فرق می‌کند و معادلی در زبان فارسی برای نشان دادن این میزان از وجهیت وجود ندارد. این ویژگی مختص امر عربی است.

۳-۲ مضارع مجزوم به لام أمر

از صیغه مضارع غایب و متکلم ساخته می‌شود؛ مانند لیسأل من لا يعلم شیئاً من العالم: باید کسی که نمی‌داند از فرد آگاه سؤال کند. در این جمله فعل لیسأل أمر از فعل مضارع یسأل است. براساس تعریفی که عباس حسن (۱۴۲۸: ۴۳) از فعل امر می‌کند، فعل «لیسأل» با اینکه بر طلب چیزی در آینده دلالت می‌کند، فعل امر نیست؛ بلکه فعل مضارع است؛ زیرا شرط‌های فعل امر را در خود ندارد؛ به بیانی دیگر فعل به تنهایی بیانگر امر نیست؛ بلکه با افزودن لام بر سر آن به صورت امری در آمده است (همان).

۳-۲-۱ تطبیق با زبان فارسی

همان‌گونه که از معنای این نوع امر برمی‌آید، این فعل با مضارع التزامی در فارسی برابر است (ر.ک؛ معروف: ۱۸۱). بنابراین وجه امری ندارد و وجه آن التزامی است. برای روشن‌تر شدن موضوع چند مثال بیان می‌شود: "لیتعرّق: باید عرق کند؛ لیغرغر الماء فی الحلق: باید آب را در گلو غرغره کند" (همان).

۳-۳ اسم فعل أمر

یعنی اسم فعلی که معنای امری دارد؛ مانند «علیکم بالصدق فإنه أنجی»، (بر شما باد راستگویی؛ زیرا راستگویی نجات‌دهنده است). در اینجا اسم فعل امر «علیکم» به جای فعل امر «الزموا علیکم» به کار رفته است (ر.ک؛ الهاشمی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). در تعریف

ویژگیهای اسم فعل گفته‌اند: اسم فعل کلمه‌ای است که از لحاظ معنا، زمان و عمل مانند فعل هم معنای خود عمل می‌کند با این تفاوت که اسم فعل تحت تأثیر عامل قرار نمی‌گیرد؛ یعنی نشانه‌های فعل مثل شناسه یا اعراب نصب و جزم و رفع نمی‌گیرد؛ به همین دلیل به آن اسم فعل گویند (عباس حسن، ۱۴۲۸: ۴۳)؛ مانند

مه عما تقول من الإفك. اسم فعل مه به جای فعل امر اکفف آمده است.

صه عما يشينك من الكلام. اسم فعل صه به جای فعل اُسکت آمده است.

لدیک القلم. اسم فعل لدیک به جای فعل خُذ آمده است.

«غلق الحاجب الباب فی حین قال هیث لک». اسم فعل هیث به جای فعل امر اسرع آمده است.

«قال الطلاب لزملائهم هلموا إلینا». اسم فعل هلم إلى به جای فعل امر تعالوا آمده است.

به دو دلیل از اسم فعل برای طلب در عربی استفاده می‌شود: الف) اسم فعل از فعل هم معنای خود در رساندن معنا قویتر است؛ مثلاً زمانی که می‌گوییم: اُسکت (ساکت باش)، اگر مخاطب از این دستور سرپیچی کند، معلوم نیست که مجازات شود یا نه؛ اما اگر به جای فعل امر از اسم فعل هم معنای آن استفاده شود در صورت سرپیچی مخاطب، مجازاتی در انتظار او است؛ مانند این آیه شریفه «علیکم أنفسکم لا یضرکم من ضلّ إذا اهتدیتم» (شما به راه هدایت باشید تا زبانی از آنها به شما نرسد). در این جمله به جای فعل امر از اسم فعل امر استفاده شده است تا به مؤمنان بفهماند در صورت سرپیچی از فرمان خداوند، مجازات خواهند شد.

ب) اسم فعل اغلب به یک صورت است (یعنی مثنی و جمع و مذکر و مؤنث ندارد) و به همین دلیل از ایجاز و اختصار برخوردار است. بنابراین دو مزیتی که ذکر شد در صورتی که غرض از امر اختصار و ایجاز و رساندن معنای کامل به همراه مبالغه باشد، استفاده اسم فعل بر فعل امر هم معنایش برتری دارد (عباس حسن، ۱۴۲۸: ۱۱۰ با تصرف).

اسم فعل امر گاهی به همراه تنوین و گاهی بدون تنوین است؛ مانند «صه». در اینجا امرکننده از مخاطب می‌خواهد از حرف زدن درباره موضوع معین و مشخصی سکوت کند؛ ولی هنگامی که همین امر را با تنوین ادا می‌کند، «صه» از مخاطب می‌خواهد که به‌طور کلی از سخن گفتن دست بکشد و ساکت باشد. دلیل آن هم این‌گونه بیان شده است که تنوین بر عموم و شمولیت دلالت دارد (ر.ک؛ السامرائی، ۱۴۲۸، ج ۴: ۳۵).

۱-۳-۳ تطبیق با زبان فارسی

اسم فعل امر عربی نیز مانند وجه غیرشخصی در زبان فارسی از شخص و عدد خالی است؛ تفاوت آن با وجه غیرشخصی در فارسی این است که وجه غیرشخصی مسندالیه ندارد ولی اسم فعل دارای مسندالیه است. از طرفی وجه غیرشخصی در زبان فارسی حالت امری ندارد ولی اسم فعل در عربی دارای حالت امری نیز هست. هم‌چنین تفاوت اسم فعل امری با فعل امر در فارسی از جنبه معنایی این است که اسم فعل عربی بار معنایی تأکید و الزام را در خود دارد؛ چیزی که در زبان فارسی برای آن معادلی نیست و تنها می‌توان با افزودن قید و یا جمله‌ای به فعل و جمله امری این معادل‌سازی را انجام داد که بیانگر الزام مخاطب به انجام دادن کار باشد؛ مانند «شهروند گرامی، قانون را رعایت کنید؛ در صورت سرپیچی از قانون مجازات خواهید شد». در اینجا جمله دوم برای بیان پیامد سرپیچی از قانون ذکر شده است؛ جمله اضافی‌ای که در زبان عربی با آوردن اسم فعل امر به آوردن آن نیازی نیست؛ به بیانی دیگر اسم فعل امر با وجهیت الزامی همراه است؛ ولی در فعل امر فارسی چنین الزامی وجود ندارد و برای الزام بخشیدن به آن چاره‌ای جز افزودن قید واژگانی و یا جمله بیانگر الزام نیست؛ این همان تفاوت ظریفی است که ممکن است زبان‌آموز در وهله اول متوجه آن نباشد؛ مثلاً برای امری که مخاطب در عمل به آن الزامی ندارد و در صورت سرپیچی از آن مجازات نمی‌شود از اسم فعل امر استفاده کند.

تفاوت دیگری که در این بررسی مشخص شد این است که در اسم فعل امر، مسئله شمولیت و خصوصیت طلب مطرح است که با افزودن یا حذف تنوین مشخص می‌شود که منظور گوینده از امر، امر کلی در مورد چیزی است یا امرش دایره محدودتری را شامل می‌شود؛ مانند *إیه*: به سخن گفتن ادامه بده که به جای فعل امر «*امض فی الحدیث*» آمده است؛ ولی اگر به صورت «*إیه*» بیاید به معنای این است که به سخن گفتن درباره به موضوع معینی ادامه بده که از قبل برای دو طرف مشخص است. ادامه بده. در زبان فارسی برای این نوع از امر معادلی نمی‌شناسیم.

۴-۳ مصدر جانشین فعل امر

در صورت فراهم بودن شرایط، مصدر در زبان عربی می‌تواند جایگزین فعل شود و مانند آن عمل کند (رک؛ عباس حسن، ۱۴۲۸: ۱۵۵)؛ مانند تعظیماً والدیک: حتماً به پدر و مادرت احترام بگذار. مصدر تعظیم به جای فعل امر عظم آمده است. تکریمأ اهلک: به



طور قطع به خانواده‌ات احترام بگذار. مصدر تکریم به جای فعل امر کرم آمده است. إشفاقاً علی ضعیفهم المحتاج: به نیازمندان آنان حتماً رحم کن؛ إشفاق مصدری است که به جای فعل امر إشفق آمده است. سعياً فی سبیل العلم (حتماً در راه دانش بکوش). در این مثال، «سعياً» به جای فعل امر نشسته است و از صیغه‌های امر به‌شمار می‌آید (همان: ۱۲۹-۱۵۵). احترام به خانواده، رحم کردن به ضعفا و تلاش در کسب علم از جمله فضایل اخلاقی به‌شمار می‌رود و از طرفی دیگر بی‌اعتنایی به این موارد زمینه‌ساز بی‌اخلاقی است و چه بسا طردشدن از جامعه را به دنبال داشته باشد؛ به همین دلیل امرکننده درخواست خود را با مصدر بیان می‌کند تا بر طلب خود تأکید کرده باشد. در این مورد نیز با وجهیت الزامی روبه‌رو هستیم. این الزام و تأکید در خود امر نهفته است. السامرائی (۱۴۲۸: ۱۴۴) در تفاوت فعل امر و مصدر جانشین فعل امر در دو جمله «إصبر یا خالد» و «صبراً یا خالد» می‌گوید: مصدر از فعل قوی‌تر است و ثبوت بیشتری نسبت به فعل دارد؛ زیرا مصدر بر حدوث دلالت دارد ولی فعل بر حدوث مقید به زمان دلالت دارد.

همان‌گونه که ملاحظه شد، مصدر جانشین از فعل امر، اعراب نصب دارد؛ حال اگر این اعراب به رفع بدل شود، بازهم معنای امر می‌دهد با این تفاوت که اولی مصدر جانشین از فعل امر است و دومی خبری است که مبتدا ندارد. تفاوت دیگر این است که مصدر مرفوع در اینجا امری است که دارای ثبوت و دوام بیشتری نسبت به مصدر منصوب است (همان: ۱۴۵). نتیجه آنچه گفته شد در جدول ذیل می‌آید:

جدول (۱)

فعل امر (اصبر) ← دلالت بر حدوث مقید به زمان (بدون تأکید). مصدر جانشین
فعل امر (صبراً) ← دلالت بر حدوث و تجرد (دارای تأکید و الزام). مصدر مرفوع
← دلالت بر ثبوت و استمرار (دارای تأکید و الزام بسیار).

۱-۴-۳ تطبیق با زبان فارسی

در فارسی مصدری که دارای وجه امری باشد وجود ندارد. انوری و گیوی (۱۳۸۵: ۷۴) در این باره این‌گونه اظهار می‌کنند: فعلی که به صورت مصدر بیاید اصلاً فعل نیست؛ زیرا مصدر از انواع اسم است و اگر بتوان برای آن وجهی قائل شد، باید گفت از وجه التزامی است؛ زیرا یکی از مفاهیم التزام لزوم و اراده را می‌رساند و در این صورت باید آن را با جزء قبل یک جا فعل به‌شمار آورد نه تنها مصدر را". نتیجه اینکه در زبان

فارسی مصدر نمی‌تواند مانند زبان عربی جایگزین فعل شود و در صورت امکان چنین امری، وجه فعل تنها التزامی است و وجه فعل امری در مصدر فارسی نیست.

۳-۵ فعل نهی

در کتابهای دستور زبان عربی، نهی را در ذیل تعریف امر نمی‌آورند ولی برای اینکه وجه امری به زبان واحدی توصیف شود، تنها به تعریف دستور زبان اکتفا نمی‌شود بلکه وجه امری با هر عنوان و شکلی که باشد، توصیف می‌شود و چون فعل نهی بیانگر درخواست است، در ذیل تعریف ما می‌گنجد. «نهی»، خواستن خودداری و دست باز گرفتن از چیزی است با شیوه برتری جویانه و وادارکننده. نهی، تنها یک صیغه دارد و آن مضارع همراه با «لا»ی ناهیه است» (الهاشمی، ۱۳۸۸: ۱۳۸)؛ مانند لا تکتبوا ذکریات علی الجدار: روی دیوار یادگاری ننویسید. فعل نهی از لحاظ گرفتن نون تأکید و تغییر وجهیت مانند فعل امر است؛ مانند لا تکننّ من الوقحین: از بی‌ادبان نباش.

۱-۳-۵ تطبیق با زبان فارسی

معادل نهی عربی در زبان فارسی همان امر منفی است. علامت امر منفی در فارسی در دوم شخص مفرد و جمع «میم» مفتوح است که بر سر فعل امر در می‌آید و علامت آن در دیگر ساختها «نون» مفتوح است که بر سر مضارع ساده در می‌آید؛ زیرا این فعل با فعل مضارع ساده منفی یکسان است (طبییان، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۶)؛ مانند بخور ≠ مخور.

۳-۶ فعل مضارع جایگزین فعل امر

الف) برای پرهیز از شکل امر به دلیل رعایت ادب و احترام؛ مانند ينظر أستاذی إلى عملی و يمنحني درجة ممتازة: استادم به کارم نگاه می‌کند و نمره عالی به من می‌دهد. در اینجا، گوینده برای پرهیز از آوردن صیغه‌های امری و ایجاد نکردن شکل امر در جمله، انشا را به گونه خبر آورده است. اگر جمله به گونه امر ایراد می‌شد، بدین‌سان بود: «یا أستاذ أنظر فی أمری وامنحني درجة ممتازة».

ب) هشدار دادن و آگاه ساختن بر اینکه دستیابی به مطلوب، آسان است؛ چون عوامل دستیابی، قدرت و توان وجود دارد؛ مانند سخن مربی به شاگردانش: تشارکون فی المباريات الدولية وتحصلون علی الکأس الذهبی: در مسابقات بین‌المللی شرکت می‌کنید و جام طلایی را به‌دست می‌آورید. در این جمله به جای «شارکوا» و «إحصلوا»

فعل مضارع به کار برده است تا به ورزشکاران بگوید رسیدن به پیروزی و به دست آوردن جام طلایی آسان است. در واقع مربی پیروزی را قطعی می‌داند. این نوع از امر، هر چند صورت اخباری دارد، وجه آن امری است؛ به عبارتی دیگر در این نوع جملات تناظر بین صورت و وجه فعل برقرار نیست.

۱-۶-۳ تطبیق با زبان فارسی

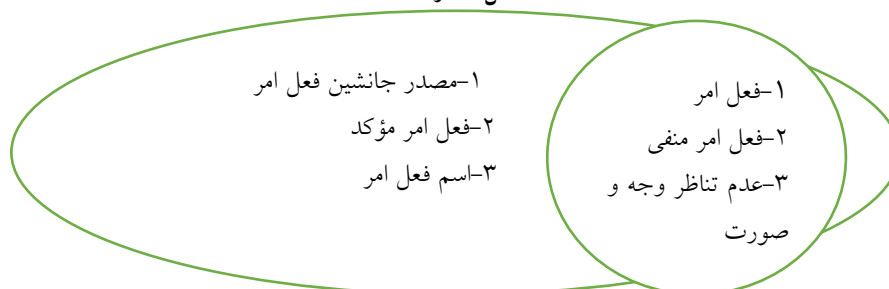
در زبان فارسی، وجه امری که با صورت اخباری ظاهر می‌شود وجود دارد؛ مانند سخن دانشجو به استاد: «استاد، شما به بنده نمره خوبی می‌دهید». دانشجو این جمله را برای رعایت احترام و پرهیز از شکل امری به جای جمله «استاد، به من نمره خوبی بدهید» به کار برده است. بنابراین این نوع از امر و وجه آن در فارسی و عربی کاملاً بر یکدیگر منطبق است.

از این نوع امر، نتیجه گرفته می‌شود که نمی‌توان تنها صورت فعل را ملاک تشخیص وجه فعل قرار داد بلکه آن چیزی که بیانگر وجه فعل است، جمله است؛ به عبارتی دیگر این سیاق جمله است که مشخص می‌سازد که فعل دارای چه وجهی است. همان‌گونه که محققان در تطبیق وجوه فعل فارسی و عربی به این نتیجه دست یافته‌اند «وجه فعل در جمله‌ای مانند «خواهش می‌کنم با من تماس بگیرید، امری است؛ حال اینکه فعل معادل آن در عربی «أرجوكم أن تتصلوا بی» متشکل از «أن+فعل مضارع منصوب» است» (رضایی، ۱۳۹۰: ۳۵).

۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی کشف وجوه تفاوت و شباهت وجه امر در زبانهای فارسی و عربی از دید ساخت، معنا و کاربرد است تا از این رهاورد و براساس نظریه میانه‌زبان‌شناسی به بررسی مشکلات عربی‌آموزان فارسی‌زبان در یادگیری وجه امری در زبان عربی پرداخته شود. شکل ذیل براساس بررسی که انجام شد، ارائه می‌گردد که در واقع نشان‌دهنده وجوه اشتراک و تفاوت وجه امری بین عربی و فارسی است. دایره بزرگتر به زبان عربی و دایره کوچکتر به زبان فارسی مربوط است:

شکل شماره (۱)



آنچه در پی می‌آید نتایج این پژوهش و توضیحی است برای شکلی که ترسیم شد:
 ۱. در تطبیق وجه امر بین دو زبان نمی‌توان براساس صورت و ظاهر فعل امر قضاوت کرد؛ بلکه این تطبیق تنها از روی معنا و در جمله به دست می‌آید. همان‌طور که مشاهده شد، فعل امر غایب عربی با وجه امری در فارسی برابر نیست بلکه معادل آن در فارسی وجه التزامی است در صورتی که فعل نهی در عربی کاملاً با وجه امری منفی در فارسی مطابقت دارد.

۲. در تطبیق وجه امر فارسی و عربی مشخص شد که علاوه بر فعل امری که دستور نویسندگان عربی برای درخواست از آن سخن می‌گویند، اسم فعل امر و مصدر جایگزین امر نیز وجه امری دارد و (با تفاوتی در وجهیت) با وجه امر فارسی برابر است. برابری دیگری که در این پژوهش به دست آمد این است که همان‌گونه که در برخی مواقع در زبان فارسی بین صورت و وجه فعل تناظری نیست در زبان عربی نیز این عدم تناظر مشهود است.

۳. در بررسی وجوه فعل در دو زبان فارسی و عربی براساس توصیف دستور زبان فارسی و نحو و بلاغت عربی مشخص شد که وجه امری در زبان عربی نسبت به زبان فارسی از تنوع ساختاری و کاربردی بیشتری برخوردار است.

۴. در زبان عربی با افزودن حرف تأکید (نون تأکید ثقیله و خفیفه) به فعل امر، وجهیت الزامی در فعل امر ایجاد می‌شود که این میزان الزام مخاطب به عمل به مشدد و مخفف بودن نون بستگی دارد؛ ولی در زبان فارسی چنین ویژگی در فعل امر نیست و تنها با افزودن قیود تأکید می‌توان این الزام را نشان داد؛ حتی اگر این قیود را برابر نون

تأکید بگیریم، باز هم نمی‌توان برای ظرافتی که در میزان الزام وجهیتی در تشدید یا عدم آن در نون تأکید است در زبان فارسی معادلی بیابیم.

۵. مقوله وجهیت الزامی در ذات ساختار امر عربی اسم فعل امر و مصدر جایگزین فعل امر وجود دارد ولی امر فارسی این امکان نیست و برای نشان دادن وجهیت الزامی از ابزارهای واژگانی بهره می‌گیرد. در واقع از لحاظ معنایی بین وجه امر فارسی و وجه امر عربی (اسم فعل و مصدر نایب از فعل امر) تفاوت وجود دارد.

۶. همان‌گونه که در این پژوهش مشخص شد، تنوین یا نبود آن در اسم فعل مشخص کننده میزان و محدوده درخواست امر کننده است؛ ویژگی‌ای که در زبان فارسی برای آن معادلی نیافتیم.

براساس نظریه میانه زبانشناسی، تفاوت‌های ظریف بین عناصر دستوری دو زبان موجب دشواری و پیچیدگی فرایند یادگیری زبان دوم/خارجی می‌شود. براین اساس، عربی‌آموز فارسی‌زبان در ساخت فعل امر عربی و کاربرد و شناسایی وجه آن با مشکل جدی روبه‌رو نخواهد شد؛ زیرا می‌داند همان‌گونه که فعل امر فارسی از بن مضارع ساخته می‌شود، فعل امر عربی نیز از فعل مضارع ساخته می‌شود. در ساخت فعل امر غایب نیز لام امر را معادل باید فارسی درمی‌یابد و وجه آن را نیز با وجه التزامی تطبیق می‌دهد؛ اما در مورد کاربرد اسم فعل امر و مصدر جانشین فعل امر در صورت آشنا شدن با این نوع از وجه امری در عربی به دلیل تفاوت ظریفی که این گونه امری از لحاظ وجهیت با فعل امر فارسی دارد، دچار سردرگمی خواهد شد؛ زیرا زبان‌آموز یاد گرفته است در زبان مادری خود برای اینکه به فعل امر وجهیت الزامی ببخشد از ابزار واژگانی بهره جوید در حالی که در زبان عربی به مدد گرفتن از ابزار واژگانی نیازی نیست. هم‌چنین ممکن است مسئله عمومیت و خصوصیت درخواست در اسم فعل امر برایش ابهام ایجاد شود.

براساس آنچه گذشت و بر پایه نظریه میانه زبانشناسی که تفاوت ظریف بین الگوهای یک یا چند زبان در صورت، معنا یا کاربرد، را موجب سردرگمی زبان‌آموز می‌داند، بهتر است تدریس مقوله‌های امری مشابه بین دو زبان در وهله اول آموزش قرار گیرد و مقوله‌هایی مانند اسم فعل، مصدر جانشین فعل و فعل دارای نون تأکید

(یعنی مقوله‌هایی که به ظاهر شبیه ولی در معنا متفاوت است). در مرحله بعدی آموزش قرار گیرد. این اولویت‌بندی در جدول ذیل قابل مشاهده است:

وجه و وجهیت در زبان عربی		وجه و وجهیت در زبان عربی	
نوع	مثال	نوع	مثال
فعل امر	أكتب	فعل امر	بنویس
فعل مضارع	تعطی لی درجۀ ممتازة	فعل مضارع	شما به من نمره خوبی می‌دهید
فعل نهی	لا تذهب	فعل نهی	ننویس
افزودن نون تأکید	أكتبن		
مصدر	تعظيماً		
اسم فعل	صه		

پینوشت

1. Strong version of CAH
2. Behavioral Psychology
3. Lado
4. Weak Version of CAH
5. The Moderate Version of CAH
6. Principle of Stimulus generalization

منابع

معروف، فرید؛ «الجملة الفعلية في اللغة العربية و KALIMAT VERBAL في اللغة الأندونيسية (دراسة تقابلية)»؛ بحث مقدم إلى كلية الآداب والعلوم الإنسانية جامعة شريف هداية الله الإسلامية الحكومية جاکرتا للحصول على الدرجة الجامعية الأولى (S.S.)؛ ۲۰۱۰.

- حجازی، محمود فهمی؛ زبانشناسی عربی؛ ترجمه سیدحسین سیدی؛ تهران: سمت، ۱۳۷۹.
- کهریزی، سپیده؛ کتاب طلایی بررسی مقابله‌ای ساخت جمله فارسی و انگلیسی؛ تهران: انتشارات طلایی پویندگان دانشگاه، ۱۳۹۲.
- ضیاءحسینی، محمد؛ مبانی زبان‌شناسی مقابله‌ای؛ تهران: رهنما، ۱۳۹۲.
- رضایی، والی و فاطمه بهرامی؛ مبانی رده شناسی؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۴.
- آقاگل‌زاده، فردوس و زهرا عباسی؛ «بررسی وجه فعل در زبان فارسی بر پایه نظریه فضاهاى ذهنی»، ادب پژوهی؛ ش بیستم (۱۳۹۱)، ص ۱۳۵-۱۵۴.
- رحیمیان، جلال؛ دستور زبان فارسی: صورت، نقش و معنا؛ شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز، ۱۳۸۱.
- مشکوة‌الدینی، مهدی؛ دستور زبان فارسی؛ چ دهم، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۹.
- خیامپور، عبدالرسول؛ دستور زبان فارسی؛ چ پانزدهم، تبریز: ستوده، ۱۳۸۶.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی؛ دستور زبان فارسی (۱)؛ چ هفدهم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۵.
- احمدی‌گیوی، حسن و حسن انوری؛ دستور زبان فارسی ۱؛ ویرایش سوم، چ پنجم، تهران: انتشارات فاطمی، ۱۳۸۹.
- باطنی، محمدرضا؛ توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی؛ چ هفتم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۴.
- فرشیدورد، خسرو؛ دستور مفصل امروز بر پایه زبانشناسی جدید؛ تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۲.
- ماهوتیان، شهرزاد؛ دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی؛ ترجمه مهدی سمائی؛ چ هفتم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۳.
- مظاهری، جمشید و مرتضی هاشمی و مهدی متولی؛ «بررسی و تحلیل وجه التزامی در دستور زبان فارسی»، مجله علمی-پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان؛ دوره دوم، ش سی و هشتم (۱۳۸۳)، ص ۹۵-۱۰۸.
- شکرانی، رضا؛ «پژوهشی پیرامون پدیده اعراب در مقایسه با مقوله‌های «نقش» و «وجه» دستور زبان فارسی»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان؛ ج هفتم، (۱۳۷۴)، ص ۴۹-۶۵.
- فاضلی، محمد؛ دراسة و نقد فی مسائل بلاغیة هامة؛ طهران: سمت، ۱۳۸۸.

- اله‌اشمی، احمد؛ ترجمه و شرح جواهر البلاغه جلد اول (معانی)؛ مترجم: حسن عرفان؛ چ دهم، قم: نشر بلاغت، ۱۳۸۸.
- معروف، یحیی؛ فن ترجمه: اصول نظری و علمی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی؛ چ یازدهم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲.
- رضایی، سارا؛ «بررسی مباحثی از فعل در دستور زبان‌های فارسی و عربی»؛ پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، راهنما: سیدمحمد رضا ابن الرسول، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۹۰.
- شریعت، محمد جواد؛ دستور زبان فارسی؛ چ ششم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۲.
- عباس حسن؛ النحو الوافی؛ بیروت: المكتبة المحمدی، ۱۴۲۸.
- ابن‌مالک، محمد بن عبدالله؛ شرح ابن‌عقیل؛ ترجمه: سیدحمید طبیبیان؛ ج دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۹.
- طبیبیان، حمید؛ برابره‌های دستوری در عربی و فارسی (صرف و نحو)؛ چ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
- السامرائی، فاضل صالح؛ معانی النحو؛ ج ۲ و ۴ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۸.
- James C. Contrastive Analysis. Harlow: Longman. 1981.
- Fisiak, J. Contrastive Analysis and the language teaching. Oxford. 1985.
- Ziahosseiny, S.M. (1994) Introducing Contrastive Linguistics. Tehran: Islamic Azad University press.
- Fries C.C. Teaching and Learning English as a Foreign Language. Michigan: University of Michigan Press. 1945 .
- Arts F. and H. Wekker "Contrastive grammar: theory and practice", in: J.Fisiak (ed.) Further Insights into Contrastive Analysis. Amsterdam: John Benjamin publishing Company. 1990. 163-75.
- Ziahosseiny, S.M. The Moderate version of contrastive analysis hypothesis. Studi Italiani Di Linguistica Teoretica et applicata, Ix, numero 2, 153-165. 1980.
- Lyons J. Semantics. Cambridge: Cambridge University Press. 1977.
- Palmer F.R. Mood and Modality. Second Edition. Cambridge: Cambridge University Press. 2001.
- Jespersion, O. The Philosophy of Grammar .London: George Alln & Unwin Ltd. 1994.

